

فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی / سال نهم
شماره ۱ (پیاپی ۱۷) بهار ۱۴۰۰ صص ۱۰۱-۱۲۴
تحولات معنایی خانواده در اسناد بالادستی صادره از جانب رهبر
معظم انقلاب اسلامی ایران

DOR: 20.1001.1.23295599.1400.9.1.4.1

نوع مقاله: پژوهشی

فضه‌سادات حسینی^۱

تقی آزاد ارمکی^۲

مهری بهار^۳

هاجر آذری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۵

چکیده

پژوهش حاضر با موضوع بررسی تحولات معنایی خانواده در اسناد بالادستی و در این مجال اسناد متناسب به رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران صورت گرفته است. هدف از این بررسی، مطالعه سیر تحولات معنایی خانواده در اسنادی است که از جانب رهبر انقلاب است. از آنجا که خانواده نهادی با اهمیت برای جامعه است، همواره مسئله مورد توجه حکومت‌ها در راستای حمایت و جهت‌دهی به آن بوده است. خانواده همچنین مورد توجه کنشگران اجتماعی به جهت کارکردهای انسانی و عاطفی آن است. خانواده در میانه درک کنشگران از آن و همچنین فهم حکومت‌ها از آن سیر متفاوتی از تحولات معنایی را طی می‌کند. به نظر می‌آید در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی و همینطور اسناد خاص متناسب به مقام رهبری نیز این جریان حاکم است. این پژوهش در پی فهم مختصات تحول معنایی خانواده در اسناد متناسب به رهبر انقلاب اسلامی ایران، از روش تحلیل محتوای کیفی و صورت‌بندی مضمونی استفاده کرده است. نتیجه بررسی هفده سند صادره از جانب رهبر معظم انقلاب بیانگر آن است که این اسناد به‌ویژه در متأخرترین آن، به سمت درگیری عینی با تحولات ذهنی و کیفی خانواده و اعضای آن متمایل شده است. این امر می‌تواند به واقع‌بینی بیشتر در فهم تحولات خانواده و سیاست‌گذاری عینی و وابسته به زمینه در حوزه با اهمیت خانواده منجر شده و از سیاست‌گذاری انتزاعی جلوگیری کند.

کلمات کلیدی: خانواده، تحول، معنا، اسناد بالادستی، تحلیل محتوا

۱. دانشجوی دکتری حقوق زن در اسلام دانشگاه تربیت‌مدرس hosseini.law@gmail.com

۲. استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) azadarmaki@gmail.com

۳. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران mbahar.ut@gmail.com

۴. استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت‌مدرس azari2002@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

خانواده، عنصری متحول شونده است چنانچه گروویچ معتقد است؛ «خانواده پدیده‌ای است که هر لحظه در حال دگرگونی بوده و از ویژگی ساخته شدن، از ساخت افتادن و بازساختی شدن برخوردار است» (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۲: ۶۴). خانواده به واسطه وساطت میان فرد و جامعه، تحت تأثیر تحولات هر دو بخش قرار دارد (باقری، ۱۳۸۳: ۱۵۳). به نظر می‌رسد خانواده به میزان بیشتری تحت تأثیر تحولات فردی قرار دارد، درحالی‌که جوامع به جهت تمایل به ثبات ساختاری کمتر در جریان حقیقت این تحولات قرار دارد (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۸). این امر سبب ایجاد تفاوت سرعت میان تحولات فرد و خانواده تحت تأثیر فرد و سازمان جامعه شده و حوزه‌های تعارض را ایجاد می‌کند.

دولت‌ها به‌عنوان نهاد اجرایی سیاست‌ها در جوامع، عامل مؤثری در تحولات خانواده (خضری، ۱۳۸۰: ۴۴ و ۵۵)، دریافت معنای این تحولات و تغییر، تصحیح یا اصرار بر سیاست‌های پیشین با آن‌ها هستند. دولت‌ها به‌واسطه قدرت اقتصادی و سیاسی خود می‌توانند از طریق تصمیم‌سازی بر اساس نگرش‌های خود و ارائه سیاست‌های خرد و کلان، خانواده را تحت تأثیر قرار دهند. تصویر منعکس شده از خانواده در اسنادی که دولت مجری آن‌هاست و یا اسناد خود آن‌ها را تدوین می‌کند، نمایانگر نحوه نگرش به خانواده، در نظر گرفتن تحولات نهادی خانواده و همچنین تحولات عینی و ذهنی کنشگران نسبت به خانواده و تکالیف و تعهدات آنان در مقابل این نهاد است.

در میانه وضعیت متحول شده خانواده و تمایل دولت‌ها و حکومت‌ها به ثبات و نظم، در ضمن جریان جهانی‌سازی، و آنچه می‌توان آن را غلبه شرایط کیفی بر شرایط عینی، و اهمیت یافتن افراد در مقابل نهادها، حوزه‌ای از اختلافات و تعارضات میان خانواده و دولت‌ها در حال شکل‌گیری و نیازمند مطالعه است. تأخر فرهنگی (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۸) دولت‌ها و اصولاً ساختارهایی که به ثبات گرایش دارند، در مقابل نهاد خانواده و نقش بااهمیت افراد در آن در برخی موارد سبب می‌شود، سیاست دولت‌ها و حکومت‌ها در قبال خانواده و گرایش و تمایلات افراد در آن کمتر با یکدیگر همراه و هم‌مسیر و در برخی موارد متعارض و متناقض با یکدیگر شوند. بررسی این روند در اسناد بالادستی حکومت جمهوری اسلامی ایران، مسئله

سلسله‌ای از پژوهش‌ها و در این مجال، بررسی تحولات معنایی خانواده در اسناد بالادستی صادره از رهبر معظم انقلاب محل نظر است. هدف از این بررسی، ارائه تصویری از میزان در نظر داشتن تحولات خانواده در ضمن این اسناد و گره‌خوردگی ذهنیت اجتماعی در عینیت ساختاری است. به نظر می‌آید، در نتیجه این بررسی بتوان، ذهن سیاست‌گذاران را متوجه تغییرات حوزه خانواده، صرف‌نظر از درستی یا نادرستی آن‌ها، و سیاست‌گذاری را با در نظر داشتن مجموعه تحولات عینی و ذهنی خانواده توصیه کرد.

این توصیه در نتیجه مطالعه اسنادی است که دولت، موظف به برنامه‌ریزی سیاست‌های خود در ذیل آن هست. این اسناد که بالادستی خوانده می‌شوند (بروجردی، ۱۳۹۴: ۶) از جانب رهبر انقلاب اسلامی ایران، آیت‌الله خامنه‌ای و شامل هفده سند است که در ادامه به بررسی آنها پرداخته خواهد شد.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تحول معنایی خانواده در اسناد صادره از جانب مقام معظم رهبری است. پرسش اصلی این پژوهش، مطابق با عنوان آن بررسی تحولات مفهوم خانواده در اسناد بالادستی است که از جانب ایشان و از طریق مجمع تشخیص مصلحت صادر شده است.

پرسش‌های دیگر در پی پاسخ به پرسش اصلی شامل موارد زیر است:

- آیا خانواده در سیر تاریخی اسناد منتسب به ایشان دچار تحول معنایی شده است یا در وضعیت ثبات قرار دارد؟

- آیا شرایط زمینه‌ای و تحولات اجتماعی در تغییر تعریف از خانواده موثر بوده است؟

- کدام مفاهیم به تحول یا ثبات معنایی خانواده اشاره دارد؟

در پی پاسخگویی به این سؤالات، مجموعه هفده سند بالادستی صادرشده از جانب شخص ایشان مورد بررسی این نوشتار به شیوه تحلیل محتوا و صورت‌بندی مضمونی خواهد بود.

پیشینه پژوهشی

بررسی اسناد بالادستی صادرشده از جانب آیت‌الله خامنه‌ای با موضوع تحول مفهومی خانواده، در مجموعه خود که مشتمل بر هفده سند از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۵ هست، نخستین پژوهش از نوع خود می‌باشد. این پژوهش برای نخستین بار، نه زنان بلکه مجموعه خانواده را محل نظر داشته و زنان، مردان، فرزندان، ارتباط میان خانواده و دیگر نهادها را محل تمرکز خود داشته و از نگاه مجموعه‌ای به خانواده استفاده کرده است. این نگاه مجموعه‌ای زنان، مردان، ارتباطات میان آنان و ارتباط متقابل زوجین را با نهاد خانواده و نهاد خانواده را در ارتباط با دیگر نهادها مورد بررسی قرار داده است. پژوهش‌های مشابه دیگر از منظر موضوع و منطق درونی انتخاب آن، از لحاظ بررسی نمونه تحلیل و همچنین در نظر داشتن مجموعه اسناد و سیر تاریخی جهت بررسی تحول مفهومی خانواده، کمتر شباهتی با پژوهش حاضر دارند. با این وجود به متأخرترین پژوهش‌های مرتبط از لحاظ زمان و موضوع پرداخته می‌شود.

ابولحسن مجتهد سلیمانی، محمد داوود آبادی و صادق حسن زاده (۱۳۹۵) در دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت به «تأثیر خانواده در تحقق اقتصاد مقاومتی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای» پرداخته‌اند. این پژوهش که به روش آن در ضمن پژوهش اشاره نشده است، به بررسی بیانات رهبری و اصول اسلامی در خصوص اقتصاد پرداخته، و نتیجه می‌گیرد از طریق آموزش الگوهای مصرف اسلامی - ایرانی به فرزندان در باب مصرف کالاهای ایرانی و با مدیریت بهینه مالی می‌توان از این شرایط به سلامت عبور کرد. دولت با ایجاد بستر مناسب برای ورود خانواده‌ها به عرصه سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها می‌تواند مؤثر و نقش‌آفرین باشد.

منصوره لولآور و راضیه شاهمرادی زواره (۱۳۹۴) به «واکوی نقش اجتماعی زن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» پرداخته‌اند. این پژوهش به روش تحلیل محتوای کیفی و با بررسی سخنرانی‌ها و بیانات رهبری در پنج سال گذشته صورت گرفته است. پنج محور تحصیلات، اشتغال، فعالیت سیاسی، عرصه مجاهدت‌ها و حوزه ورزش قهرمانی از میان بیانات ایشان استخراج گردیده است. محققان نتیجه می‌گیرند در زمینه تحصیلات، ایشان تأیید همراه با تشویق داشته و زنان تحصیل‌کرده را مایه افتخار جامعه اسلامی می‌دانند اما در زمینه اشتغال نظر متفاوت داشته و آن را به صورت مشروط تأیید می‌کنند.

مریم سعیدیان جزی و سعیده یراقتی (۱۳۹۴) در بررسی «راهکارهای مقابله با فرهنگ غرب در خصوص مسئله زن در بیانات امام خامنه‌ای» به مسئله راهکارهای مقابله با جنبه‌های منفی فرهنگ غرب در خصوص زنان از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته‌اند. نمونه تحلیل این دو محقق، آرا ایشان مندرج در سایت و کتب منتشرشده در این زمینه بوده است. تحلیل محتوای کمی و کیفی این بیانات، بیانگر چهار راهکار عمده برای مقابله با فرهنگ غرب در خصوص زن است: برخوردی حکیمانه با فرهنگ غرب، غنی‌سازی فرهنگ به وسیله تعامل فرهنگی، افزایش آگاهی‌بخش به زنان و وجه به راهبرد اسلام در برخورد با زن در سه حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی است.

زهرا کرمی صادق‌آبادی و مهرداد کلاتری (۱۳۹۲) در ششمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده «تحلیل آرای مقام معظم رهبری پیرامون حقوق زنان در خانواده» را مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش نیز به روش تحلیل محتوای کمی و کیفی انجام شده است. محققان مهم‌ترین معضلات و مشکلات زنان در خانواده را در آرای آیت‌الله خامنه‌ای، صحیح نبودن نگاه به جایگاه ارزش زن در خانواده، صحیح نبودن رفتار و برخورد با وی در رابطه اشکال‌دار زن و مرد در خانواده می‌دانند که به ستم به زن منتهی می‌شود.

ملاحظات نظری

خانواده نهادی واسط میان دولت‌ها و اعضا جامعه است که امکان مکالمه میان فرد و جامعه را فراهم می‌کند (باقری، ۱۳۸۳: ۱۵۳). این نهاد در حضور دیرپا و پرمکرک خود در زمانی نه‌چندان دور خارج از حیطه نظارت و دخالت دولت‌ها قرار داشته است. دلیل این امر استقلال اقتصادی خانواده بوده است که با وقوع تحولات مدرن صنعتی و جدایی اشتغال از خانه، به تدریج آن را از دست داد. این وابستگی، زمینه سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی در خصوص خانواده را برای دولت‌ها فراهم کرد. سیاست دولت‌ها در قبال خانواده اغلب در پی نگرش‌هایی است که بر دولت‌مردان حاکم است (عرشی، شریفیان ثانی، تکلفی، ۱۳۹۷؛ ۱۱۴) و آنان آگاهانه یا ناآگاهانه تحت تأثیر آن‌ها در خصوص خانواده تصمیم‌سازی می‌کنند. دولت‌ها در برآوردن اهداف متغیر خود، که آن‌ها نیز تحت تأثیر نگرش آنان نسبت به جامعه، نیاز آن و فضای

بین‌الملل قرار دارد، از خانواده نیز به‌عنوان ابزاری جهت تأمین این اهداف استفاده می‌کنند (عموزاده مهدیرجی، ۱۳۹۶: ۷-۱۴۶).

سیاست‌گذاری در خصوص خانواده دو رویکرد کلی دارد: در جامعه‌ای که خانواده را مهم‌ترین رکن جامعه محسوب کرده و آن را نهادی هم‌ارز دولت و دین می‌شمارند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۴۸)، اغلب دارای صدایی از آن خود و سهم‌خواه از حوزه سیاست‌ها و مؤثر بر نحوه تدوین و اجرای آن است. رویکرد دوم، وضعیت خانواده در جامعه‌ای است که کلان ساختارهای سیاست، اقتصاد و فرهنگ در اولویت بوده و حفظ کلیت جامعه موردنظر است. در این رویکرد، خانواده به‌عنوان ابزاری جهت محافظت از جامعه و در خدمت ارزش‌های آن تلقی می‌شود. خانواده از طریق بازتولید جمعیتی و جامعه‌پذیری افراد بر اساس ارزش‌های موردنظر جامعه که از طریق نهاد آموزش و رسانه به خانواده‌ها منتقل می‌کند، جهت تحکیم جامعه اقدام می‌کند.

خانواده علاوه بر نگاه کارکردی، در مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده نیز موضوع رویکردهای متفاوت است. خانواده گاه به‌عنوان یک‌نهاد و کلیتی دورکیمی مورد توجه است که قواعد و ساختارهای خاص خود را دارد؛ گاه از منظر کارکردهای آن موردنظر و گاه اعضا آن (زن، شوهر و فرزند) مورد توجه قرار می‌گیرند. بر این اساس سه نوع خانواده ایجاد می‌شود؛ خانواده نهادی، خانواده ابزاری و خانواده به‌مثابه گروه. این نوع نگاه به خانواده نه به‌صورت انتخابی و یک‌دست، بلکه اغلب در غفلت از پرداخت نظری روشن و انتخاب موضع مشخص نسبت به خانواده، به نحو التقاطی مورد خطاب سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان واقع می‌شود.

چنین نگاهی سبب می‌شود هر زمان و بر اساس اقتضانات نگرشی، سیاسی و نیاز دولت‌ها، بعدی از خانواده مورد توجه قرار گیرد (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۲: ۷۸ و آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۱۶۶-۱۶۵) و خانواده را از حیث مجموعه‌ای خود خارج کند. همچنین، این نگرش سبب می‌شود دولت‌ها در فراغت از زمینه تغییرات عینی و ذهنی افراد نسبت به خانواده و تعهدات آن‌ها نسبت به آن به تصمیم‌سازی اقدام کنند که خود زمینه تعارض میان کنشگران و دولت‌ها را فراهم می‌سازد. درحالی‌که به نظر می‌رسد، دولت‌ها به خانواده نظر داشته و اوضاع آن را در تحولات کیفی و کمی (ازدواج و جدایی) رصد می‌کنند، حقیقت این ماجرا نیازمند

بررسی دقیق در میان سندهای رسمی منتشرشده در خصوص خانواده است. این نوشتار در پی این امر به بررسی اسناد شش‌گانه توسعه، با توجه به مفاهیم نظری ارجاع شده در این بیان، اقدام کرده است.

در میانه وضعیت متحول شده خانواده و تمایل دولت‌ها و حکومت‌ها به ثبات و نظم، در ضمن جریان جهانی‌سازی و آنچه می‌توان آن را غلبه شرایط کیفی بر شرایط عینی و اهمیت یافتن افراد در مقابل نهادها، حوزه‌ای از اختلافات و تعارضات میان خانواده و دولت‌ها در حال شکل‌گیری و نیازمند مطالعه است. تأخر فرهنگی (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۸) دولت‌ها و اصولاً ساختارهایی که به ثبات گرایش دارند، در مقابل نهاد خانواده و نقش بااهمیت افراد در آن در برخی موارد سبب می‌شود، سیاست دولت‌ها و حکومت‌ها در قبال خانواده و گرایش و تمایلات افراد در آن کمتر با یکدیگر همراه و هم‌مسیر و در برخی موارد متعارض و متناقض با یکدیگر شوند. بررسی این روند در اسناد بالادستی حکومت جمهوری اسلامی ایران مسئله سلسله‌ای از پژوهش‌ها و در این مجال بررسی تحولات معنایی خانواده در اسناد بالادستی صادره از رهبر معظم انقلاب، محل نظر است. هدف از این بررسی ارائه تصویری از میزان در نظر داشتن تحولات خانواده در ضمن این اسناد و گره خوردگی ذهنیت اجتماعی در عینیت ساختاری است. به نظر می‌آید، در نتیجه این بررسی بتوان ذهن سیاست‌گذاران را متوجه تغییرات حوزه خانواده، صرف‌نظر از درستی یا نادرستی آن‌ها، و سیاست‌گذاری را با در نظر داشتن مجموعه تحولات عینی و ذهنی خانواده توصیه کرد.

این توصیه، در نتیجه مطالعه اسنادی است که دولت موظف به برنامه‌ریزی سیاست‌های خود در ذیل آن هست. این اسناد که بالادستی خوانده می‌شوند (بروجردی، ۱۳۹۴: ۶) از جانب رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای است. پرسش اصلی این پژوهش مطابق با عنوان آن بررسی تحولات مفهوم خانواده در اسناد بالادستی است که از جانب ایشان و از طریق مجمع تشخیص مصلحت صادر شده است. پرسش‌های این پژوهش شامل موارد زیر است: سیر تحول مفهوم خانواده در اسناد بالادستی منتسب از آیت‌الله خامنه‌ای کدام است؟ آیا این مسیر تکاملی و به سمت در نظر داشتن تحولات خانواده و اعضا آن است و یا در وضعیت ثبات قرار دارد؟ مفاهیم و مضامین مربوط به این دو وضعیت (در صورت وجود) کدام‌اند؟ در پی

پاسخگویی به این سؤالات مجموعه هفده سند بالادستی صادرشده از جانب شخص ایشان موردبررسی این نوشتار به شیوه تحلیل محتوا و صورت‌بندی مضمونی خواهد بود.

روش شناسی تحقیق

تحلیل محتوای کیفی را می‌توان یک روش تحقیق برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متن از طریق فرایندهای طبقه‌بندی سیستماتیک، کد بندی و تم سازی با طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست (شی‌یه و شانون^۱، ۲۰۰۵). با تحلیل کیفی می‌توان یک رویکرد تجربی، روش‌شناسانه و کنترل‌شده متون را در زمینه ارتباطی، طبق قواعد تحلیل از محتوا و روش مرحله‌به‌مرحله با رعایت عناصر مورد مطالعه در نظر گرفت (میرینگ^۲، ۲۰۰۵).

شی‌یه و شانون رهیافت‌های تحلیل محتوا را به سه دسته «تحلیل محتوای عرفی و قراردادی^۳»، «تحلیل محتوای جهت‌دار^۴» و «تحلیل محتوای تخلصی یا تجمعی^۵» (شییه و شانون، ۲۰۰۵) تقسیم می‌کنند. رویکرد منتخب این پژوهش به جهت اکتشاف و تحلیل در خصوص اسناد بالادستی صادرشده از جانب رهبری و بی‌سابقه بودن آن، تحلیل محتوای عرفی و قراردادی است. این شیوه تحلیل همزمان با مطالعه متن آغاز می‌شود و مرحله‌به‌مرحله با تعیین مقوله‌ها و ادغام آن‌ها در صورت داشتن زمینه‌ای مشترک، به‌پیش می‌رود.

واحد تحلیل این پژوهش، به‌عنوان بخشی از فضای یک موضوع با یک عمل تحت مطالعه (داون^۶، ۱۹۹۲)، اسناد بالادستی جمهوری اسلامی است که از جانب رهبر معظم انقلاب صادرشده و شماره آن‌ها هفده عدد است. تمام‌خوانی دقیق این اسناد به استخراج بندهای مرتبط مستقیم و غیرمستقیم با حوزه خانواده شامل؛ شخص، خانواده، اعضا، در ارتباط با دیگر نهادها و ...، به‌عنوان واحد تحلیل (۶۸ بند و زیربند) انجامید. واحد تحلیل در مطالعه اولیه، کدگذاری و پس از تجمیع کدها به مقوله‌بندی رسید. مقوله، شامل گروهی از مضامین است که

1 Hsieh & E. Shanon

2 Mayring,

3 Conventioat content analysis

4 Directed content analysis

5 summative content analysis

6 Downe

یک وجه اشتراک دارند (کریپندورف^۱، ۱۹۸۰). مقولات در روند تحلیل مضامین و معانی اساسی به مفاهیمی انتزاعی تر کاهش می‌یابند که تم نامیده می‌شوند. تم، پیوستاری از معانی و مضامین است که تکرار آن به نحوی در تمام جریان تحلیل، قابل بازیابی به درجات مختلف آشکارگی و پنهانی است (پالیت و هانگلر^۲ ۱۹۹۹).

نحوه پیاده کردن روش تحلیل محتوا بر اسناد این پژوهش، بدین صورت بوده است که نخست، تمامی سند خوانده شده و مفاهیم اولیه مشترک در میان این اسناد یادداشت شد. در دوباره خوانی اسناد، روند ظاهر شونده‌ای از مفاهیم تکراری و بسترهای کمتر آشکار آن آغاز به نمایان شدن کرد. روند بازخوانی اسناد، این بار بر مفاهیم مشترک و بندهای ارجاعی اسناد به این مفاهیم تمرکز یافت. به تدریج از بازخوانی مطالعه و تحلیل مفاهیم، مقوله‌های مشترکی در سطح بالاتری از انتزاع و شامل چند مفهوم اولیه ایجاد شد. در آخرین گام از مقوله‌های استخراج شده مضامین فرعی و از مضامین فرعی، مضمون اصلی پژوهش استخراج گردید که در معنا دهی به کلیت اسناد قابل استناد و ارجاع بود.

ارزیابی تحلیل محتوای کیفی یافته‌های این پژوهش، همچون هر پژوهش کیفی دیگر بر چهار معیار استوار است: قابلیت اعتبار، قابلیت اعتماد، قابلیت انتقال و قابلیت تائید (لیکلن و گوبا^۳، ۱۹۸۶). قابلیت اعتبار، به تمرکز بر تحقیق و اطمینان از جستجوی دقیق داده‌ها و فرایند تحلیل از موضوع وابسته است (پالیت و هانگلر، ۱۹۹۹). گفتگو و توافق بین محققین در موضوع مطالعه مورد مطالعه از جمله شاخص‌های قابلیت اعتبار است. قابلیت اعتماد به معنای کنترل عوامل عدم قطعیت (بی‌ثباتی) و عوامل پدیدار شونده‌ای که به طرحی برای تغییرات می‌انجامد. قابلیت انتقال نیز به مقدار و درجه‌ای اشاره می‌کند که یافته‌های حاصل از تحقیق در یک محیط را بتوان به محیط و گروه‌های دیگر تسری داد (همان، ۱۹۹۹، ص ۷۱۷). قابلیت اطمینان در تحقیقات کیفی وضعیتی است که یافته‌های حاصل از تحقیق راهنمای خواننده "جهت جستجوی تفسیر" باشد (ایمان، ۱۳۹۲: ۹۴).

1 Krippendorff,

2 Polit & Hungler

3 Lincoln & Guba.

جدول ۱- اسناد بررسی شده در پژوهش حاضر به ترتیب تاریخ تصویب

شماره	نام سند	تاریخ تصویب
۱	سیاست‌های کلی (حاکم بر) برنامه مصوب دوم توسعه	۱۳۷۲/۸/۱۸
۲	سیاست‌های کلی (حاکم بر) برنامه سوم توسعه	۱۳۷۸/۳/۱
۳	سیاست‌های کلی (حاکم بر) برنامه چهارم توسعه	۱۳۸۲/۹/۲۰
۴	سند نهایی چشم‌انداز بیست‌ساله	۱۳۸۲/۸/۱۳
۵	سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر	۱۳۸۵/۷/۱۰
۶	سیاست‌های کلی (حاکم بر) برنامه پنجم توسعه	۱۳۸۷/۱۰/۲۱
۷	سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف	۱۳۸۹/۴/۱۴
۸	سیاست‌های کلی نظام در امور ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و سازمان‌دهی امور ایثارگران	۱۳۸۹/۱۱/۲۹
۹	سیاست‌های کلی نظام در امور مسکن	۱۳۸۹/۱۱/۲
۱۰	سیاست‌های کلی نظام اداری	۱۳۸۹/۱/۳۱
۱۱	سیاست‌های کلی اشتغال	۱۳۹۰/۴/۲۸
۱۲	سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش	۱۳۹۲/۲/۱۰
۱۳	سیاست‌های کلی جمعیت	۱۳۹۳/۲/۳۰
۱۴	سیاست‌های کلی سلامت	۱۳۹۳/۱/۱۸
۱۵	سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه	۱۳۹۴/۴/۹
۱۶	سیاست‌های کلی محیط‌زیست	۱۳۹۴/۸/۲۶
۱۷	سیاست‌های کلی خانواده	۱۳۹۵/۶/۱۳

یافته‌های تحقیق

هدف اصلی این پژوهش بررسی تحول معنایی خانواده در اسناد صادره از جانب مقام معظم رهبری است. پرسش اصلی این نوشتار آن است که آیا خانواده در سیر تاریخی اسناد متناسب به ایشان دچار تحول معنایی شده است یا در وضعیت ثابت قرار دارد؟

تحلیل محتوای اسناد بالادستی ابلاغیه رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در حوزه خانواده و زنان بیانگر یک مضمون اصلی است: تحول در مفهوم خانواده از وضعیت زیرمجموعه

به‌عنوان مجموعه مستقل و مشخص. مطالعه مجموعه اسناد ابلاغی از جانب رهبری در مدت‌زمان ۲۳ سال (از ۱۳۷۲-۱۳۹۵) بیانگر آن است که خانواده از واحد زیرمجموعه، نادیده و نحیف به وضعیت استقلال، تعیین‌کننده، قدرتمند و صاحب‌رأی و نظر تبدیل شده است. این وضعیت را که می‌توان در بندهای موجود در اسناد از خانواده تابع قانون (سیاست حاکم بر برنامه مصوب دوم تا ششم توسعه) به وضعیت جامعه و قوانین خانواده محور (سیاست‌های کلی خانواده) مشاهده کرد. خانواده در موقعیت تابع، نادیده و ناشنیده داشته و در پی تغییرات و تحولات دولتی و سیاسی، تجربه تحول در کار ویژه‌های خود را دارد. نمونه این امر را در درخواست دولت از خانواده جهت کاهش بعد خانوار و کاهش تعداد فرزندان در دوره سازندگی و درخواست متعارض با آن در افزایش بعد خانوار و فرزند آوری (سیاست‌های کلی جمعیت، ۱۳۹۳) ردیابی کرد. اگرچه در وضعیت درخواست افزایش جمعیت نیز همچنان، خانواده در موقعیتی ابزاری و در خدمت مصلحت حکومت و منافع جمعی و ملی قرار می‌گیرد اما، دو تفاوت با وضعیت خانواده در سال‌های نخست انقلاب اسلامی دارد؛ نخست آنکه خانواده خود را صاحب استقلال رأی و "مختار" به پذیرش درخواست حکومت می‌داند. دوم آنکه در وضعیت تعاملات میان خانواده و دولت، خانواده به جهت موقعیت دریافت‌کننده خدمات حمایتی از جانب دولت هیچ‌گاه به‌تمامی و کاملاً مستقل در تنظیم کار ویژه‌های خود نخواهد بود.

ازاین‌رو می‌توان گفت، وضعیت استقلال خانواده در برابر دولت در حال کم و زیاد شدن است. زمانی در اقل موقعیت استقلال است و گاهی در حالت استقلال نسبی؛ اما هیچ‌گاه از تأثیر سیاست‌های حکومت و دولت فارغ نخواهد بود. این امر به جهت تعامل سه‌گانه خانواده، دین و دولت (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۴۸) در جامعه نیز می‌باشد که در هر دوره زمان سهم‌های متفاوتی از یکدیگر در جریان تعاملات دارند. در وضعیت حاضر و با توجه به شواهد برآمده از تحول مفهومی خانواده در اسناد بالادستی مورد نظر این پژوهش، در ضمن این اسناد سهم خانواده بیش از دو نهاد دیگر است. اما لازم است در نظر داشت که اشاره به تحول مفهوم

خانواده از وضعیت زیرمجموعه به عنوان مجموعه مستقل و متشخص در مجموعه مناسبات میان سه نهاد و نه برتری مطلق خانواده است.

مطابق روش تحلیل محتوا، مضمون تحول در مفهوم خانواده از وضعیت زیرمجموعه به عنوان مجموعه مستقل و متشخص برخاسته از مقولات و زیر مقولاتی (مفاهیمی) است که از تحلیل مجموعه اسناد مورد مطالعه این پژوهش به دست آمده است. سه مقوله اصلی از تحلیل محتوای اسناد به دست آمده است که هر یک دارای زیر مقولاتی هستند که در جدول زیر به آن‌ها اشاره و پس از آن به توصیف و تفسیر آن‌ها پرداخته خواهد شد.

جدول ۲- مضامین استخراج شده از اسناد بالادستی، ابلاغیه رهبر معظم انقلاب

مضمون اصلی		تحول در مفهوم خانواده از وضعیت زیرمجموعه به عنوان مجموعه مستقل و متشخص	
شماره	مقولات	زیر مقولات مرتبط	اسناد راجعه
۱.	ظهور شخص خانواده	ظهور شخص خانواده - گسترش مفهومی خانواده به اعضا - بلوغ و پختگی مفاهیم - خانواده صاحب تشخیص	سند چشم انداز بیست ساله (۱۳۸۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه (۱۳۸۷)
۲.	نگاه مجموعه‌ای به خانواده	تمرکز بر فرد - انسان سالم اجتماعی - ظهور خانواده تعاملی تمرکز بر نقش - روزآمد شدن کارکردهای خانواده - احیا و بازخواهی نقش‌های سنتی در بستر تغییرات نوظهور - احیا و بازخواهی نقش‌های جنسیتی در بستر تغییرات نوظهور تعامل خانواده و جامعه - جامعه خانواده محور - قوانین خانواده محور	سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳) سیاست‌های کلی خانواده (۱۳۹۵) سیاست‌های کلی خانواده

ادامه جدول ۲- مضامین استخراج شده از اسناد بالادستی، ابلاغیه رهبر معظم انقلاب

مضمون اصلی		تحول در مفهوم خانواده از وضعیت زیرمجموعه به عنوان مجموعه مستقل و متشخص	
شماره	مقولات	زیر مقولات مرتبط	اسناد راجعه
۳.	اقتضائات عینی خانواده	<p>تشکیل خانواده</p> <p>- تشویق و زمینه سازی</p> <p>نگهداشت خانواده</p> <p>- مشاوره</p> <p>- توانمندسازی</p> <p>- بازتوانی</p> <p>گسست</p> <p>- نرمش ساختارهای سخت</p> <p>- درخواست تأمین شان انسانی</p> <p>مدیریت پیامدها</p> <p>- توانمندسازی و حمایت</p> <p>- زمینه سازی و تشویق ازدواج مجدد</p>	

سؤال دوم این پژوهش آن است که آیا شرایط زمینه‌ای و تحولات اجتماعی در تغییر تعریف از خانواده موثر بوده است؟ و کدام مفاهیم به تحول یا ثبات معنایی خانواده اشاره دارد؟

ظهور شخص خانواده از جمله نکات برجسته و روشن در تحلیل اسناد بالادستی ابلاغی رهبری است. خانواده در مجموعه این اسناد از سیاست‌های کلی حاکم بر برنامه مصوب دوم توسعه (دولت سازندگی، ۱۳۷۲) که در آن هیچ سخن یا اشاره‌ای به خانواده نشده است، در سند ابلاغی سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه (دولت سازندگی، ۱۳۷۸) در یک بند (۲۵) پس از اشاره به موضوع جوانان و دغدغه ازدواج و آینده شغلی آنها، به تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن رسید: "تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی، و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها، و توجه ویژه به نقش سازنده آنان".

این مضمون عیناً در سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه (دولت اصلاحات، ۱۳۸۲) زیرمجموعه امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی، و این بار قبل از اشاره به جوانان و دغدغه ازدواج، مسکن و آسیب‌های اجتماعی آنان، در بند چهارده عیناً تکرار شده است. پیش از

پیگیری تحول مفهوم خانواده در سیر این اسناد نکاتی در خصوص بند مربوط به تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان نیازمند اشاره است. این اشارات از آن جهت مورد توجه است که در اسناد بعدی تحولات مفهومی و جایگاهی نیازمند بحث و بررسی در آنها رخ می‌دهد.

نکته نخست آنکه، خانواده در ذیل امور اجتماعی، سیاسی و امنیتی آمده است که بیانگر نگاه سه‌گانه با ضریب اهمیت امنیتی و سیاسی و به تبع آن تحت تأثیر این امور قرار داشته است. دومین نکته، استفاده از اصطلاح تقویت است که به منزله آشکار شدن نقاط ضعف یا رخنه آسیب‌ها در حوزه خانواده است که این نهاد را نیازمند تقویت می‌سازد. سومین نکته اشاره به زن پس از عبارت تقویت نهاد خانواده است. این هم‌آوردی به نوعی اشاره به موقعیت اصلی زن دارد که از نظر این بند در خانه و با اولویت نقش‌های همسری و مادری است. مسئله دیگر استیفا حقوق با دو قید شرعی و قانونی است که در آن به حقوق اجتماعی و فردی زن اشاره نشده و احتمالاً با این تفکر بوده است که مجموعه حقوق زن در متن قانون متکی بر شریعت دیده شده است.

اشاره به عبارت «کمک استیفا» به منزله دخالت حکومت و دولت در این امر است، از آن رو که در میان مجموعه خانواده متشکل از زن، مرد و فرزندان تنها به زنان اشاره شده است که خود اشاره غیرمستقیم و پنهان به تغییرات یا مطالباتی در این حوزه دارد. کلی‌گویی و ابهام در تعیین اولویت‌ها و یا محدودیت به شرع و قانون، اگرچه در سندی بالادستی امری معمول است، اما زمینه فراموقعیتی و ناوابستگی به زمینه و تغییرات اجتماعی آن را فراهم آورده و سبب گم‌شدگی مخاطب و نیازمند توجه (زنان) را فراهم می‌آورد. نکته آخر، اشاره به نقش سازنده زن دارد که در مجموعه کلی این بند به نظر در حوزه خانواده و در نقش‌های همسری و مادری مورد نظر باشد که تلویحاً حضور اجتماعی زن را در مراحل بعدی اهمیت و اولویت قرار می‌دهد.

در سیر تحول و تولد خانواده، فرایند ایجاد خانواده مستقل صاحب تشخیصی که می‌تواند نیاز خود را به جامعه اعلام و پیگیر پاسخ آن باشد، را می‌توان در سند چشم‌انداز بیست‌ساله (دولت اصلاحات، ۱۳۸۲) ردیابی کرد. این سند در ضمن برشمردن خصوصیات جامعه‌ی

ایرانی در افق این چشم‌انداز به جامعه‌ای "برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب" اشاره دارد. در این سند خانواده در بنای مستحکم خود بر اساس الگویی آن‌چنان مشخص در نظر گرفته شده است که نیازی به اشاره به آن وجود دارد. این الگوی جهت‌دار به‌تمامی اسناد موردبررسی این پژوهش جهت داده و در سایه غیر آشکار خود خانواده ایرانی را تعریف کرده است. این سایه غیر آشکار آنجا نمایان است که در ضمن این اسناد، کار ویژه‌های خانواده ایرانی با توجه به تغییرات اجتماعی و به رسمیت شناخته شدن آن روزآمد می‌شوند، اما با توجه به تحولات افرادی که عهده‌دار انجام آن هستند، تغییر نمی‌کنند. از آن جمله می‌توان به اهمیت اوقات فراغت و گذران وقت با خانواده اشاره داشت که در بند پنج سیاست‌های کلی خانواده به آن اشاره شده و ضرورت و زمینه تقویت گذران اوقات جوانان با خانواده موردتوجه قرار گرفته است اما در خصوص جمعیت همچنان خواهان ایجاد تغییراتی در وضعیت اشتغال و مناسبات حاکم بر آن از جانب زنان است.

نکته پیش‌گفته در خصوص اوقات فراغت، شائبه بی جنسیتی بودن این اسناد را به ذهن می‌آورد که خود حاوی نکته دیگری است، مبنی بر آنکه ظهور خانواده متشخص خطر بلعیده شدن افراد در ساختار از پیش موجود خانواده را ایجاد می‌کند. چنانچه تغییر و تحولات هویتی و نقشی افراد در نظر نباشد و تنها آنان را کارگزاران کار ویژه‌های خانواده در راستای تأمین جامعه بزرگ‌تر بشناسد، افراد به تدریج نسبت به این نهاد کم اقبال و بی‌تمایل خواهند شد.

بند معروف مربوط به تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در آن، در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه (دولت مهروری، ۱۳۸۷) در ذیل امور اجتماعی و خروج از مجموعه امنیتی و سیاسی تکرار شده است. پس از این، بند (۱۲) به جوانان و به دغدغه شغلی، ازدواج، مسکن، آسیب‌های اجتماعی و مقتضیات جوانی اشاره شده است (بند ۱۳). اگرچه در حوزه خانواده و زنان بندی تکراری در این سند وجود دارد، اما اشاره به جوانی و گسترش دغدغه‌های مرتبط به آن‌ها از امر ازدواج و اشتغال به مقتضیات دوره جوانی بیانگر گسترش مفهومی خانواده به اعضای آن است. خانواده تنها نیازمند تقویت و تنها عضو آن زنان نیستند.

اشاره به جوانان بیانگر نوعی **بلوغ و پختگی مفاهیم** مربوط به حوزه خانواده و شمول و فراگیری گستره آن به تمامی اعضا خانواده است. از آنجاکه در بند مربوط به جوانان به جنسیت آنان اشاره نشده است، می‌توان در نظر داشتن دختران و پسران جوان و دغدغه هردوی آنان را نتیجه گرفت. این نکته اگرچه **کور جنسیتی مثبتی** را به نظر می‌آورد، اما خطر پنهانی در ضمن خود دارد که در بخش پیشین نیز به آن اشاره شد و آن حضور پنهان برنامه و تفکری از پیش موجود است که با وجود غیرآشکارگی آنچنان روشن است که بر اساس آن سهم توجه و اختصاص امکانات و منابع بر حسب تقسیمات جنسیتی از پیش موجود است و نیازی به اشاره یا بازبینی ندارد. این امر در ضمن بلوغ مفاهیم مربوط به خانواده در سیر این اسناد می‌تواند دلیلی بر عقیم ماندن تأثیر آن در حوزه عینیت اجتماعی و در زندگی روزمره کنشگران جامعه و اعضا خانواده باشد.

نکته مهم دیگر در این سند مربوط به بند نوزده و اشاره به **"انسان سالم و سلامت همه‌جانبه"** او دارد. در این بند توجهی به جایگاه خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین مکان رشد انسان سالم نشده است بلکه به‌نوعی مسئولیت دولت در این امر موردتوجه قرار گرفته است. در تمامی زیر بندهای این بند، جای خالی اشاره به خانواده در یکپارچگی سیاست‌گذاری، ارتقا شاخص‌های سلامت، بهداشت، اصلاح الگوی تغذیه دیده می‌شود. جای خالی خانواده پس از حرکت به سمت استقلال و به رسمیت شناختن آن، نوعی شکست یا بی‌توجهی به نظر می‌آید که گویی مکان اولویت و اهمیت خانواده را در قبال دولت و دین دچار تغییرات می‌کند. این امر در ضمن توجه به نقش دولت در توسعه نظام‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به **"زنان سرپرست خانوار و حمایت"** از آنان اشاره دارد.

در سیر تاریخی اسناد، در سند مربوط به اصلاح الگوی مصرف (۱۳۸۹)، سیاست‌های کلی نظام در امور ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و سازمان‌دهی امور ایثارگران (۱۳۸۹) اشاره به خانواده نشده است. در سند مربوط سیاست‌های کلی نظام در امور مسکن (۱۳۸۹) در ضمن بند هشت به **"رعایت ارزش‌های فرهنگی و حفظ حرمت و منزلت خانواده در معماری مسکن"** و در بند ۹ سیاست‌های کلی نظام اداری (۱۳۸۹) به **"توجه به استحکام خانواده و**

ایجاد تعادل بین کار و زندگی افراد در نظم اداری" اشاره شده است. در سیاست‌های کلی اشتغال (۱۳۹۰) اشاره‌ای به خانواده یا اعضا آن وجود ندارد. در سند سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش (۱۳۹۲) بر تلاش بر ارتقاء معنوی خانواده‌ها (بند ۱-۵) و تقویت مناسبات صحیح و سازنده آموزش و پرورش با خانواده‌ها (بند ۸) اشاره شده است.

در سند سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳) به تناسب موضوع سند، خانواده در ابزاری‌ترین شکل ممکن خود در راستای اهداف حکومت و کار ویژه تولیدمثل خود قرار دارد. این سند در روزآمد شدن کارکرد تولیدمثلی خانواده و در ارتباط جدی با زمینه اجتماعی نمایش جدی دارد. بند دوم این سند در راستای ایجاد مقدمات تغییر وضعیت جمعیت کشور و افزایش نرخ باروری (بند ۱) تسهیل و تشکیل خانواده رفع موانع ازدواج را توصیه می‌کند. در این راستا کاهش سن ازدواج، حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی جهت تأمین هزینه زندگی را در نظر دارد. این واقع‌بینی در امر اقتصاد که یکی از مهم‌ترین موانع فرزندآوری است، امکان عملی (در صورت تحقق) افزایش نرخ باروری را ممکن می‌سازد. در این سند برای نخستین بار به مردان و سهم آنان در ناباروری و تأمین هزینه درمان آن‌ها در کنار هزینه‌های زایمان و بیمه زنان باردار اشاره شده است (بند ۳).

فرزند پروری در کانون با اصالت خانواده و بازگشت وظیفه جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها به خانواده در راستای فرهنگ اسلامی- ایرانی از دیگر موارد واقع‌بینانه و در راستای عینیت اجتماعی است. تأکید جدید بر اصطلاح "اسلامی- ایرانی" در برابر تعبیر "اسلامی- انقلابی" (سند چشم‌انداز، بند ۳ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه) و نشانگر اهمیت و توجه به تاریخ و پیشینه از پیش موجود خانواده و جامعه ایرانی و ریشه‌دار بودن آن حتی در زمانه حاضر دارد. در راستای اهمیت یافتن خانواده مستقل و توانمند، این سند در بند هفت به فرهنگ‌سازی جهت تکریم سالمندان و ایجاد شرایط نگهداری از آنان به‌عنوان حافظه زنده تاریخی و نشانه تعهد و احترام بین نسلی اشاره کرده است. عبارت فرهنگ‌سازی به معنای مجموعه اقدامات و امکانات مادی و معنوی حمایت از سالمندان و نشانه دیگری از ارتباط با واقعیت مرتبط با این موضوع است.

سیاست‌های کلی سلامت (۱۳۹۳) سهم خانواده به‌عنوان واحد مستقل در ارتباط مستقیم (بند ۱) و در کنار افراد و جامعه در جهت تأمین و ارتقا سلامت (بند ۲) و اصلاح سبک زندگی (بند ۳) در نظر گرفته شده است. در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه (دولت تدبیر و امید، ۱۳۹۴) به‌عنوان آخرین سند در حال اجرای توسعه بر امر جمعیت متمرکز است. خانواده در این سند در ذیل امور اجتماعی، پس از بندی در خصوص "فرهنگ‌سازی و ایجاد زمینه‌ها و ترتیبات لازم برای تحقق سیاست‌های کلی جمعیت" (بند ۴۵) و در تکرار بند معروف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در آن... (بند ۴۶)، آمده است. این تکرار بی‌تغییر در آخرین سند برنامه توسعه در حال اجرا، نمایش بارز دوری از زمینه عینی و واقعی تغییرات اجتماعی است که در ضمن خود حوزه وسیع تحولات زنان، مردان، خانواده، اجتماع و عرصه جهانی را نادیده و ناشنیده، غیر معتبر فرض کرده و تمرکز اصلی را بر جمعیت و استفاده ابزاری از خانواده و اعضا آن قرار داده است. امری که نتایج آن بیانگر عدم موفقیت در آن است^۱.

بررسی و تحلیل محتوای اسناد تا سیاست‌های حاکم بر برنامه پنجم توسعه، حکایت از نوعی اعتباربخشی و بی‌اعتباری همزمان به نهاد خانواده و اعضا آن در مصوباتی است که اغلب با زمینه اجتماعی ارتباط نزدیک و مستقیم نداشته و در نوعی دوری‌گزینی عینی پیشنهاد شده‌اند. اما به نظر می‌رسد، بخش اعظم این دوری از زمینه عینی و حیات ذهنی خانواده و اعضا آن در شانزده بند سیاست‌های کلی خانواده (۱۳۹۵) به‌عنوان آخرین سند ابلاغی رهبری در حوزه خانواده مرتفع شده باشد. مشخصه ویژه این سند در **نگرش مجموعه‌ای به خانواده** است. خانواده نهادی چندبعدی و حداثی میان فرد و دیگر نهادها (دین و دولت) و کلان ساختارها (اقتصاد، سیاست، فرهنگ) است. در این سند خانواده به خوبی در ارتباط با اعضا (زن و مرد)، نقش‌ها

۱ بر اساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ جمعیت کشور از حدود ۷۵،۵۱ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به ۷۹،۹۳ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. در دوره ۵ ساله ۱۳۹۰-۱۳۸۵ متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت ۱،۲۹ درصد بوده است. متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت در دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵، به ۱،۲۴ رسیده است که نسبت به دوره ۵ ساله قبل اندکی کاهش نشان می‌دهد. سازمان برنامه‌ریزی و بودجه (۱۳۹۵)، نتایج تحلیل سرشماری عمومی نفوس و مسکن،

همسری، مادری و شوهری)، کارکردها (نظم جنسی مشروع، فرزند آوری، جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها و تعاملات عاطفی و انسانی آرامش‌بخش و سازنده) و نهادهای مکمل و حمایتی (دین، دولت، فرهنگ، عرصه عمومی، قضایی، سلامت و ...) تصویر شده است.

خانواده در این سند واحد بنیادی، سنگ بنای جامعه اسلامی (همانند هر جامعه دیگری) و کانون رشد و تعالی انسان است. اشاره به **جامعه خانواده‌محور** (بند ۱)، **قوانین خانواده محور** و محوریت خانواده در **تمامی نظامات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی** (بند ۲) مقدمه ظهور **خانواده مستقل، متشخص** است. تصویر این خانواده با تأکید بر **ارتقا سرمایه اجتماعی خانواده**، تعاملات انسانی، **تعاملات اخلاقی و تحکیم روابط خانوادگی** (بند ۵)، بیانگر رویکرد کلی حاکم بر این سند است که **نگرش اجتماعی - انسانی** حاکم بر این سند را در برابر **گرایش ساختاری - دولتی** حاکم بر اسناد پیشین نشان می‌دهد.

این سند **اقتضائات عینی خانواده ایرانی** را در نظر داشته و در سه بعد تشکیل، نگهداشت، گسست و مدیریت پیامدهای آن پیشنهادهایی دارد. در راستای **تشکیل خانواده**، ازدواج موفق و آسان و تشکیل خانواده متعالی بر اساس سنت الهی (بند ۴) پیش‌بینی شده است. اگرچه عبارت سنت الهی به معنای نسخه تأییدشده از پیش موجود و توصیه‌شده در متون اسلامی است اما به نظر می‌آید صفت تعاملی، تأکید بر اخلاف و ارزش‌های انسانی مبتنی بر رضایت، انصاف، خدمت، احترام و مودت و رحمت در کنار فرهنگ‌سازی و تقویت تعاملات اخلاقی (بند ۵) امکان **نگهداشت خانواده** را فراهم کند. در چنین صورتی، امکان شکل‌گیری صورتی از خانواده، فارغ از تعدی و تعرضات موجود در نسخه منحرف از سنت الهی را فراهم کرده و امکان شکل‌گیری خانواده مرجع موفق (بندهای ۴-۶) را ممکن سازد. ترویج و تقویت سبک زندگی اسلامی - ایرانی و پررنگ کردن ارزش‌های اخلاقی و زدودن پیرایه‌های باطل (بند ۶) در این راستا پیشنهادشده است.

گسست خانواده نیز در این سند مورد توجه قرار گرفته است. **نرمش ساختارهای سخت** در "بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه‌های قضای در حوزه خانواده، متناسب با

نیازها و مقتضیات جدید" (بند ۷) و رعایت شأن انسانی "در تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی و دادرسی و اجرای احکام" (همان) در این راستا پیشنهاد شده است.

مدیریت پیامدهای ناشی از گسست و یا تنش‌های خانواده با "ساماندهی نظام مشاوره و آموزش قبل، حین و پس از تشکیل خانواده و تسهیل دسترسی (بند ۱۰)، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و عوامل تزلزل نهاد خانواده به‌ویژه طلاق و جبران آسیب‌های ناشی از آن با شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و فرهنگ‌سازی کراهت طلاق (بند ۱۳)، حمایت حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده‌های با سرپرستی زنان و تشویق و تسهیل ازدواج آنان (بند ۱۴)، در راستا مدیریت پیامدها پیشنهاد شده‌اند. نکته شایان توجه در بند سیزده، آنکه آسیب‌های خانواده به طلاق منحصر نشده و طلاق یکی از عوامل و البته مورد تأکید است. دیگر نشانه شمول، غنا و فراگیری مفاهیم در این سند اشاره به خانواده‌های با سرپرستی زن است که محدوده زنان همسر ازدست‌داده، زنان بی‌سرپرست، زنان بد سرپرست، زنان مطلقه، دختران ناامید از ازدواج و خودسرپرست را شامل می‌شود. تشویق و تسهیل ازدواج و طرد تنها ماندن این دسته از زنان، که اغلب از جانب جامعه مردان به دلیل شرایط خاصشان انتخاب نمی‌شوند، نیز از دیگر نکاتی است که در مدیریت پیامدهای بحران‌ها و تنش‌های خانواده مورد اشاره واقع شده است. مسئله تکریم سالمندان (بند ۱۵) و توجه به سلامت باروری و افزایش فرزندآوری (بند ۱۶) دو بند انتهایی این سند است که در صورت فراهم شدن امکان وقوعی بندهای پیشین نتیجه طبیعی آن‌ها این دو بند خواهد بود.

نتیجه‌گیری

پرسش اصلی، بررسی تحول یا ثبات معنایی مفهوم خانواده در اسناد صادره از جانب رهبر معظم انقلاب است. روش این بررسی تحلیل محتوا و صورت‌بندی مضمونی تحولات معنایی خانواده در اسناد بالادستی صادره از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران است. در این مجال، مجموعه هفده سند صادره از جانب ایشان در مدت زمان ۲۳ سال (از ۱۳۷۲-۱۳۹۵) مورد بررسی قرار گرفت است. نکته قابل توضیح پیش از این ارائه خلاصه و نتیجه‌گیری آنکه هدف این پژوهش، بررسی اسناد صادره از رهبری و نه بررسی برای شخص ایشان است. از

آنجا که اسناد نتیجه اظهار نظر متخصصانی از حوزه‌های مختلف است، این نوشتار از باب نقد محتوای این اسناد و نه شخصی است که صدور این اسناد به ایشان منسوب است.

پاسخ پرسش اصلی این نوشتار در خصوص تحول یا ثبات معنایی مفهوم خانواده بیانگر تحول مفهومی خانواده است. مضمون اصلی به دست آمده در فرایند بررسی تاریخی این اسناد از زمان صدور اولین سند تا آخرین آن با عنوان سیاست‌های کلی خانواده بیانگر تحول در مفهوم خانواده از وضعیت زیرمجموعه به مجموعه مستقل و مشخص است. در پاسخ به پرسش دوم در پی بررسی مضامینی که به این تحول اشاره دارند مشخص شد، مضمون کلی تحول در مفهوم خانواده از وضعیت زیرمجموعه به مجموعه مستقل و مشخص برآمده از سه زیر مضمون کلی در تحلیل محتوای اسناد است؛ ظهور شخص خانواده، نگاه مجموعه‌ای به خانواده و توجه به اقتضائات عینی. ریشه این مضامین در روند صدور اسناد قابل ردیابی است که به مفهوم بااهمیت بلوغ و پختگی مفاهیم در ضمن صدور اسناد می‌رسد. بلوغ مفاهیم، ریشه در بذل توجه خانواده به عنوان مجموعه‌ای شامل شخص خانواده، کارکرد و اعضا آن و همچنین در نظر داشتن اقتضائات عینی مربوط به خانواده است.

خانواده در سیر تحولات خود از نهادی مستقل و خودکفا در زمان پیشاصنعتی و کشاورزی تبدیل به نهادی شده (عبدی، ۱۳۹۳) که از نظر اقتصادی وابسته به نهاد دولت و حکومت شده و در قبال این وابستگی بخشی از اختیارات کارکردی خود در زمینه تولیدمثل و بازتولید ارزشی و جامعه‌پذیری فرزندان را به دولت و خط‌مشی‌های تجویزی آن واگذار کرده است. از دست رفتن استقلال اقتصادی خانواده در پی تبدیل جامعه مکانیکی به جامعه ارگانیکی، فرایند تقسیم‌کار و تخصصی شدن وظایف و حاکمیت قانون عرفی و عمومی صورت گرفت (دورکیم، ۱۳۹۴). خانواده‌ای که حیات و بازتولید آن بستگی به خدمات رفاهی پیش‌رونده دولت‌ها وابسته شده است (عموزاده، مهدیرجی، ۱۳۹۴)، نیازمند آن است که در دیگر حوزه‌های کارکردی دستورالعمل و تجویز نهادهای بالادستی را در نظر داشته باشد (جلالی و مهدوی زاهد، ۱۳۹۵).

اما خانواده علاوه بر موقعیت نهادی و کارکردی، شامل مجموعه‌ای از کنشگران اجتماعی هستند که در حوزه تصمیمات مربوط به خود عاملیت دارند. این عاملیت در برخی مواقع و در برابر برخی سیاست‌گذاری‌های بالادستی سبب تأخیر در اجرایی شدن سیاست‌ها و در برخی مقاومت در برابر آن‌هاست. این حوزه انسانی که اغلب به واسطه عدم شناخت دقیق قابل مدیریت از طریق سیاست از بالا به پایین قلمداد می‌شود، در پی حوادثی که جامعه ایرانی را در گذار سنت به مدرنیته قرار داده است، تبدیل به عاملی تأثیرگذار در تحولات خانواده شده است. در این برزخ، انسان ایرانی از وضعیت تعیین شونده در برنامه‌های از پیش موجود تبدیل به عامل تعیین‌کننده‌ای شده است که از خانواده به‌عنوان ابزار و نهاد اساسی برای بیان مطالبات خود استفاده می‌کند. در این وضعیت خانواده، درس میانه نزاع میان دولت در موقعیت تمامیت‌خواهی و طلب همراهی اعضا جامعه و عاملان فعالی که اکنون خواست خود را در برخی جهات با تجویزات نهاد بالادستی همراه نمی‌یابد، قرار گرفته است (فاتحی، اخلاصی، ۱۳۹۱).

در مجموعه این اسناد از خانواده به‌عنوان ابزار دستیابی به اهداف دولت و اعضا آن در خدمت وظایف محوله به خانواده تبدیل به نهاد مستقل صاحب تشخیصی بازنمود شده است که می‌تواند در خصوص تکالیف و وظایفی که به آن ارجاع داده می‌شود از طریق اعضا اظهارنظر کرده و طرف مکالمه و دیالوگ به‌نظام دولت و حکومت قرار گیرد. فراهم شدن امکان این مکالمه و دیالوگ فرصت بسیار مغتنمی است که در ضمن آن می‌توان راه‌سومی در مقایسه به دیکته نهاد فرادست و پیروی نهاد فرودست ارائه کند که مصالح طرفین مذاکره و مهم‌تر از آن جامعه تأمین شود.

در نهایت می‌توان گفت؛ نتیجه تحلیل محتوا و صورت‌بندی مضمونی اسناد بالادستی منصوب به رهبری طلیعه‌ظهور خانواده مستقل و کنشگر تعیین‌کننده است که می‌تواند به‌عنوان نظرگاه سومی در فراتر از خانواده‌محوری جامعه و فردمحوری خانواده مطرح و به‌عنوان مکالمه میان فرد، خانواده و جامعه مورد توجه، بررسی و استخراج مختصات قرار گیرد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران: سمت. چاپ اول.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان، چ اول.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۲)، ارزیابی پارادایمی برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باقری، شهلا (۱۳۸۳)، «خانواده و سیاست‌گذاری اجتماعی در عرصه ملی و فراملی»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۵، ۱۷۹-۱۵۲
- بروجردی، اشرف (۱۳۹۴)، «سهم سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی در سیاست‌های کلی نظام، اسناد بالادستی و قوانین برنامه در ج.ا.ا»، جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۳ (۱۷)، ۱۹-۱
- جلالی، محمد، مهدوی زاهد، مهدی (۱۳۹۶)، «نسبت تحولات نهاد خانواده با نظریه دولت در ایران معاصر»، راهبرد، دوره ۲۶، شماره ۸۲، ۹۷-۷۹
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ صادقی فسایی، سهیلا؛ لولا آور، منصوره (۱۳۹۲)، «نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران»، نشریه زن در فرهنگ و هنر، شماره ۲، ۱۹۸-۱۸۳
- دورکیم، امیل (۱۳۹۴)، درباره تقسیم کار اجتماعی، تهران، ترجمه باقر پرهام، نشر مرکز
- سعیدیان جزی، مریم، یراقی، سعیده (۱۳۹۴)، «راهکارهای مقابله با فرهنگ غرب در خصوص مسئله زن در بیانات امام خامنه‌ای»، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، شماره ۱۲، ۹۳-۷۱
- صادقی، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان (۱۳۹۲)، «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی»، زن در فرهنگ و هنر، شماره ۱، ۸۴-۶۳
- عبدی، عباس (۱۳۹۳)، مقدمه‌ای بر پژوهش در جامعه‌شناسی خانواده در ایران، تهران: نشر نی
- عرش، ملیحه؛ شریفیان ثانی، مریم؛ تکفلی، مرضیه (۱۳۹۷)، «سیاست‌های فراگیر خانواده در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی»، شماره ۷۰، ۱۴۰-۱۰۸
- عموزاده مهدیرجی، حنیف (۱۳۹۶)، «سیاست‌گذاری خانواده و تغییرات اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران»، سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۱، ۱۵۲-۱۳۳

- فاتحی، ابوالقاسم، اخلاصی، ابراهیم (۱۳۹۱)، «گفتمان‌های اجتماعی زنان در پارادایم سنت و نوگرایی؛ مطالعه زنان هجده تا چهل سال شهر شیراز»، معرفت فرهنگی اجتماعی، دوره ۳، شماره ۳، ۱۰۱-۱۲۲
- کرمی صادق‌آبادی، زهرا و کلانتری، مهرداد (۱۳۹۲)، «تحلیل آرای مقام معظم رهبری پیرامون حقوق زنان در خانواده»، در ششمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده، تهران، پژوهشگاه خانواده دانشگاه شهید بهشتی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، جهان رهاشده، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: نشر توسعه
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، چشم‌انداز خانواده، ترجمه محمدرضا جلایی پور، آفتاب، س ۳، ش ۲۹، ۵۴-۵۷
- لول‌آور، منصوره؛ شاهمرادی زواره، راضیه (۱۳۹۳)، «واکاوی نقش اجتماعی زن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان»، شماره ۱، ۲۸-۹
- مجتهد سلیمانی، ابوالحسن، داوود آبادی، محمد و حسن‌زاده، صادق (۱۳۹۵)، «تأثیر خانواده در تحقق اقتصاد مقاومتی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای»، دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
- Downe Wamboldt, B. (1992). Content Analysis: Method, application and Issues. Health care foe women international. Vol. 13 (3), p. 313-321
- Hsieh, Husiu-Fang, Sara E E. Shanon (2005), Three approaches to content analysis, Qualitative Health research, Vol. 15 (6), p.
- Krippendorff, K. (1980). Content Analysis: An introduction to its methodology. The sage commtext series, sage Publications Ltd, London.
- Lewis, J. & Gulliar, S. (2005). The adult workers model: family, gender and care: the search for new policy principles and the problems of a capalities. Economy and society, Vol. 34 (1), 76-104
- Lincoln, Y. S & E. G. Guba (1985). Naturalistic Inquiry. Beverly Hills, Sage Publication Inc, NewburyPark, London: New Dehli.
- Mayring, P. (2000). Qualitative content analysis. Forum: Qualitative social research, Vol. 1 (2), p
- Polit, D.F. & B. P. Hungler (1999). Nursing research. Principles and Methods. Philadelphia, Sixth (ed) J. B. Lippincott Company, New York: Baltimore.
- Robila, M. (2014). Family policies across the globe: development, impelementation and assessment. In M. Robila, Handbook of family policies across the globe, Newyork: springer. p:3-11